آیت بهشتی

نویسنده: سید حسین زینالی

تولد

در سال ۱۳۰۹ ش . در شهر مقدس و مذهبی قم در خانه پاك و بی آلایش دانشمند و مجتهدی بزرگ از فضلای حوزه علمیه ، فرزندی چشم به جهان گشود که بعدها منشاء تحولات عظیمی در تاریخ ایران شد.
این نوزاد را به مناسب نام جد شهیدش ((سید مصطفی)) ((مصطفی)) نام نهادند.
او در دامن پدری بزرگواری و مادری پاك سرشت و در محیطی پر از معنویت و صفا و صمیمیت رشد کرد و دوران کودکی را با پایان رساند.(۱)

تحصیلات

هفت سال از سن این مولود مبارك گذشت ، و در این مدت شخصیت کودکی او رقم زده شد.
در سال ۱۳۱۶ ش . قدم به مدرسه گذاشت و برای تکمیل شخصیت خدادادی و فطری خود و نوشیدن جرعه های علم و دانش راهی مدرسه گردید، دوران ابتدایی را در مدرسه های ((باقریه)) و ((سنایی)) قم در سال ۱۳۲۳ - ۱۳۲۴ به پایان رساند.
علاقه فراوان وی به اسلام و روحانیت و راهنمایی های پدر بزرگوار و دوستان دل سوزش موجب گردید که بعد از اتمام دوران ابتدایی در سال ۱۳۲۴ به صف طلاب حوزه پیوسته و در ردیف سربازان امام زمان علیه السلام قرار گیرد. او در راه فراگیری علوم اهل بیت علیه السلام تلاشی بی وقفه و فوق العاده داشت و خود را به طور کامل جهت کسب دانش و علم وقف کرده بود، از این رو در اندك زمانی به رشد فرهنگی و علم بالایی دست یافت ، و در کمتر از شش سال دروس سطح حوزه را به پایان رسانید.
ایشان در این دوره از اساتیدی مثل آیات بزرگوار شیخ مرتضی حائری ، شهید صدوقی ، سلطانی و شیخ عبدالجواد اصفهانی بهره جست .(۲)
آیت الله ابطحی کاشانی از یاران شهید، درباره علاقه و هوش سرشار ایشان به درس می گوید: ((گاهی به حجره ما می آمد و گاهی من به منزل ایشان می رفتم و با هم به درس می رفتیم (درس آقای سلطانی ، درس آقای شیخ عبدالجواد اصفهانی) و از آن پس نیز با هم با درس خارج می رفتیم (درس امام ، درس آقای بروجردی ، درس آقای داماد) و خارج از درسها هم ، با هم مباحثه ای داشتیم (تقریرات آقای نائینی ، رساله های شیخ انصاری در

آخر مکاسب و...)
خصوصیتی که در شهید حاج آقا مصطفی سراغ داشتم ، این بود که از همان اول حالت تعبد نسبت به مطالب علمی نداشت ؛ یعنی مثلا اگر شیخ انصاری یا هر بزرگواری مطلبی را گفته است سربسته نمی پذیرفت ، بلکه مانند امام در مقام تجزیه و تحلیل بر می آید و می تواند گفت از همان اوایل روح اجتهاد داشت و همین هم باعث ترقی او شد)). (۳)

اساتید

ایشان بعد از شش سال تحصیل در ۲۲ سالگی حدود سال ۱۳۳۰ ش به دوره تخصصی (خارج حوزه) خارج اصول و فقه وارد شده و در فقه و اصول از اساتیدی بهره برد که عبارتند از آیات عظام :
۱. آیت الله العظمی حجت
۲. آیت الله العظمی بروجردی
۳. آیت الله العظمی محقق داماد
۴. آیت الله العظمی امام خمینی (پدر گرامیشان)
۵. آیت الله العظمی شاهرودی
۶. آیت الله العظمی خویی
۷. آیت الله العظمی محمد باقر زنجانی
۸. آیت الله العظمی سید محسن حکیم (۴)
شهید حاج آقا مصطفی علاوه بر اجتهاد در فقه و اصول ، در علوم معقول و منقول نیز دارای تبحر بوده است و دانش حکمت و فلسفه را از اساتید فن و حضرات آیات :
۱. آیت الله فکور یزدی
۲. آیت الله والد محقق
۳. آیت الله علامه طباطبایی
۴. آیت الله سیدابوالحسن رفیعی قزوینی
فراگرفته و به سن ۳۰ سالگی نرسیده بود که جامع معقول و منقول شد.(۵)

استعداد و نبوغ

در مورد استعداد ایشان حضرت آیت الله العظمی خامنه ای ، رهبر معظم انقلاب اسلامی می فرمایند:
((در درس امام جزء بهترین شاگردان بود، اگر نگوییم بهترین شاگرد. و در عین حال خود او یك

مدرس معروف بود، فلسفه و فقه درس می داد...))(۶)
شهید حاج آقا مصطفی از جمله کسانی بود که برای فهم و درك مطلب از هیچگونه سؤ ال کردن و مباحثه با استاد ابایی نداشت ، آیت الله ختم یزدی از یاران شهید می گویند:
((یکی از خصوصیاتش این بود که در هر جلسه ای شرکت می کرد از مسائل علمی سخن می گفت و مجلس را ره یك مجلس علمی مبدل می ساخت و دنبال هر مطلبی را که می گرفت خیلی بحث می کرد... خارج فقه را که امام در نجف اشرف شروع کردند و مدت پانزده سال طول کشید (از بیع تا خلل در نمار) شهید حاج آقا مصطفی بیشترین اشکال را می گرفتند...))(۷)
و بالاخره خود شهید می گوید:
((... من در عمرم فقط چند سالی تقلید کردم و خیلی زود از تقلید کردن بی نیاز شدم .))(۸)

تاءلیفات

شهید مصطفی خمینی علاوه بر تدریس علوم اسلامی دارای آثار و تاءلیفات زیادی نیز می باشد که آثار قلمی او نشانگر عظمت علمی و فکری آن مرحوم است و هر شخصیت علمی سیاسی را از نوشته هایش می توان شناخت و برای همین منظور اگر کسی بخواند مرحوم مصطفی را از نزدیك شناخته و ابعاد علمی ایشان را درك کند می تواند با مراجعه به آثار ایشان به این مقصود نایل آید. در این خصوص مرحوم حاج سید احمد خمینی برادر بزرگوار آن شهید می گوید:
((اجازه بفرمایید در این مورد مقدمه ای عرض کنم و آن این است که معمولا افراد در بازدهی علمی و اجتهادی و یا تخصصی خودشان نیازمند به طی مراحل هستند که بعد از آن مراحل می توانند تز و یا اجتهاد خود را در معرض بهره برداری دیگران قرار دهند، که متاءسفانه ایشان پس از از اتمام مراحل لازم و در آغاز تقریر و بیان نظریات علمی و اجتهادی خود به شهادت می رسد و در عین حال کتابهایی از ایشان باقی مانده است ...)

تاءلیفات زنده یاد حاج آقا مصطفی (ره)

۱. القواعد الحکمیه (حاشیه بر اسفار)
۲. کتاب البیع (دوره کامل مباحث استدلالی بیع در سه جلد)
۳. مکاسبه محرمه (در دو جلد)
۴. مبحث اجاره
۵. مستند تحریرالوسیله

۶. تعلیقه ای بر عروة الوثقی
۷. تفسیرالقرآن الکریم (در چهار جلد که ناتمام می باشد)
۸. تحریرات فی الاصول (از اول اصول تا استصحاب تعلیقی)
۹. شرح زندگانی ائمه معصومین علیه السلام (تا زندگانی امام حسین علیه السلام)
۱۰. کتاب الاصول
۱۱. القواعد الرجالیه
۱۲. کتابی در مبحث نکاح
۱۳. حاشیه بر شرح هدایه ، ملاصدرا
۱۴. حاشیه بر مبداء و معاد ملاصدرا
۱۵. حواشی بر وسیله النجاة آقا سید ابوالحسن اصفهانی
۱۶. تطبیق هیئت جدید بر هیئت نجوم اسلامی
۱۷. حاشیه بر خاتمه مستدرك .(۹)
لازم به ذکر است که در مجله حوزه شماره ۸۲ - ۸۱، تعداد ۴۰ عنوان از آثار ایشان را آورده ، است .

سیر و سلوك

حاج آقا مصطفی در کنار علم و دانش و فقاهت ، مبارزه و جهاد را نیز در همان مکتب آموخت و پا به پای امام امت (ره) در صحنه های سیاسی و مبارزاتی قدم نهاد، چرا که جهاد و شهادت را از سرور خود امام حسین علیه السلام آموخته بود.
او در فتوای فقهی خود از آیه ((ولن یجعل الله للکافرین علی المومنین سبیلا)) تنها حرمت ازدواج با کافران را نمی فهمید بلکه تمامی سلطه های شوم از خدا بی خبران را بر مسلمین حرام می دانست .
بیشتر از هر جهادی او مبارزه با شیطان درونی را لازم می دید و کسب تقوا و پرهیز از تبعیت هوای نفس را بزرگترین جهاد و بنا به فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله ((جهاداکبر)) می دانست و در این راه به حد اعلای مبارزه رسید و خود را به گروه سالکان الی الله و اولیای پاك الهی رساند.
حجة السلام و المسلمین رحیمیان یکی از یارانش می گوید:
((یکی از خصوصیات حاج آقا مصطفی این بود که ایشان مقید به پیاده روی از نجف به کربلا در تمام زیارتهای مخصوصه امام حسین علیه السلام بود در سال معمولا چند مناسبت بود (۱۵ شعبان ، عرفه ، اربعین ، اول و نیمه رجب) که مردم از نجف به کربلا پیاده می رفتند و ایشان هر سال در چند مناسبت پیاده به کربلا می رفتند. گاهی می شد که کف پای ایشان

تاولهایی می زد که خونابه از آن راه می افتاد و کاملا مجروح می شد ولی باز هم به راه رفتن ادامه می داد.)) (۱۰)

آقا مصطفی موقعی که به زیارت می رفت در بین راه مثل سایر زوار - بدون اینکه خود را آقازاده و صاحب علم و شهرت بداند - به صورت طبیعی اعمال و کارهایش را انجام می داد. و علاوه بر زیارت امیرالمؤ منین علیه السلام و سید الشهداء علیه السلام به زیارت دوره مسجد سهله و مسجد کوفه می رفت و هر هفته طبق عادت طلاب نجف شب های چهارشنبه به مسجد سهله ، محلی که بسیاری از افراد در آنجا به خدمت امام زمان علیه السلام رسیده اند رفته و در آن محل بیتوته می کرد.

آری او که رسیدن به قرب الهی را در توسل به اهل بیت علیه السلام دیده بود نگاهی به جراحت پا و یا خستگی راه و یا اینکه خود کارهایش را انجام می دهد، و یا اینکه دیگران به او اعتناء داشته باشند یا نه ، نمی کرد و برای زیارت امام حسین علیه السلام و حضرت امیر علیه السلام همه مشکلات را به جان خریده و گاهی قریب صد کیلومتر فاصله نجف و کربلا را پیاده می پیمود.

شهید در سیر و سلوك به مقامی رسیده بود که در دستورالعملی اخلاقی می گوید:

((بدان ای برادرم ، دوست عزیز و بزرگوارم ، پس از فهم آنچه در این سطور آمد و بعد از آن که به علوم عادی آگاه گردیدی و رسوم ظاهری را بر پا داشتی ، باید تلاش بی امان را برای رسیدن به برترین مقصد، والاترین هدف ، شیرین ترین مسلك و دلپذیرترین شیوه پیشه کنی و آن ((جان جهان شدن)) است .

رسیدن به این مقام والا و بلند، جز با دور کردن پستیها، تیرگیها و حجابهای مادی و مدت و جلب صفات کمال و برتر، از راه عمل به دستور شرع انور و حرکت بر مقتضای ایمان و کوشش در اجرای فرامین الهی و احکام عملی ، بدنی و قبلی نشاید.

... شگفتا! آیا وجدانت اجازه می دهد، با توان و قدرتی که او ارزانی داشته ، برخوان گسترده اش او را، نافرمانی و سرکشی کنی ؟ آیا می پسندی توان ، اراده و حکمت او را در آنچه ناروا شمرده به کارگیری و بی حرمتی روا داری ؟ پناه می بریم به خدای دانای شنوا از شیطان رانده شده از درگاه خدا.

... جهاد اکبر را پیشه کن ، تا الگویی حق نما گردی و مشمول پاداش شهیدان ، که در سخنان معصومین آمده است :

...بارالها! طعم عفو، شیرینی آمرزش و رحمت خود را بر ما بچشان ، تا از سیاهیهای ذلت بیرون بیاییم و لباس کفر و نفاق را از تن بدریم . به تو شکوه می بریم که تو ملجا هر شکایتی .)) (۱۱)

شهید مصطفی در نگاه بزرگان

شخصیت علمی و سیاسی و عرفانی و عبادی شهید بر همگان روشن است و ما بخاطر تبرك و تیمن کلام عده ای از بزرگان را زینت بخش صفحات می گردانیم :

امام خمینی(رحمت الله علیه) :

((من امید داشتم که این مرحوم (حاج آقا مصطفی) شخص خدمتگذار و سودمند برای اسلام و مسلمین باشد ولی ((لا راد لقضائه و ان الله لغنی عن العالمین)). (۱۲)

آیت الله العظمی بهاء الدینی (رحمت الله علیه) :

... ابن الامام ، بل هو الامام ، بل له اب مثل الامام ، شدید الحب بالامام ، لا لاجل الابوة ، و الامام شدید الحب لا لاجل ابنوة ، بل لجهات اخر لامجال لذکرها.

آیت الله حاج آقا مصطفی خمینی : دانشهای عقلی و نقلی ، سیاست اسلامی و دینی را در جوانی یاد گرفته ، و به جایی رسیده بود، که از نخبگان زمان ما، بلکه عصرها و زمانها بود. درست گفتار و نیك سیرت بود، با کمال زیرکی و هوشیاری به نفوس ، آگاهی داشت ، در انقلاب اسلامی و حوادث آن نقش بسیار ارزنده ای داشت ... فرزند امام بود، بلکه خود، امامی بود، بلکه پدری مثل امام داشت ...))

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای(مدظله العالی) :

((مرحوم سید مصطفی خمینی (رحمت الله علیه)یکی از شخصیت های بالقوه و بالفعل اسلام بود. روزی که ایشان شهید شدند، در حدود سنین ۴۸ - ۴۷ سالگی بودند و در آن سن جزء ممتازین کسانی بود، که در حوزه های علمیه قم ، نجف ، مشهد، و... وجود داشت ، بنده ایشان را به عنوان یك چهره برجسته حوزه علمیه قم از سالهای قبل می شناختم .))

آیت الله معرفت(رحمت الله علیه) :

((تواضع و فروتنی از ویژگیهای آن مرحوم بود و این در حالی بود که ایشان هم به دلیل فرزندی امام (رحمت الله علیه) و هم به خاطر ویژگیهایی فردی از موقعیت اجتماعی بالایی برخوردار بود... ایشان جلوتر از پدر بزرگوارشان حرف نمی زد، و اصولا نمی توان آن مرحوم را از والد جدا دانست . خیلی از افراد اعتقاد داشتند که ایشان در تمام ابعاد همانند زمانی است که امام (ره) در سنین جوانی بودند.)) (۱۳)

ویژگیهای عاطفی

بعد دیگر زندگانی این شهید عزیز روح بلند و عاطفی اوست که مهربانی و عطوفت با سرستش عجین شده بود، همیشه با دیگران برخوردی صمیمی و مهربان داشت ، از بیماران عیادت می کرد و در این مورد توجهی به وضعیت مالی عیادت شدگان نمی کرد بلکه افراد بی بضاعت و کم در آمد را در خانه محقر و پر مهر و محبت آنها عیادت می کرد و با کمال تواضع و فروتنی در کنارشان نشسته و وارد صحبت می گردید و گاهی برای شاد کردن آنان و همچنین

عمل نمودن به دستورات و سفارشات ائمه معصومین علیه السلام هدایاتی با خود به خدا دردمندان می برد.

درباره رفتار حاج آقا مصطفی خواهر گرامیشان می گوید:

((ایشان نبست به اشخاص زیر دست بسیار مهربان بودند ولی هرگز نسبت به اشخاص متکبر فروتنی نداشتند با این که درشت اندام بودند در موقع نشستن هیچ وقت تکیه نمی داند و گاهی می گفتند ایشان ساعتها در بیرونی بدون این که به جایی تکیه داده باشند نشسته اند، می گفتیم : دادش خسته نمی شوید؟ می گفتند: این طور بهتر است ، انسان باید خودش را بسازد، و همچنین هیچ وقت روی تشك نمی خوابیدند و فقط يك بالش زیر سرشان می گذاشتند...))

و یکی از دوستانش می گوید:

((چند روز به منزل امام نرفتم . يك شب ایشان (حاج آقا مصطفی) به منزل ما تشریف آورد. از خانواده سراغ مرا گرفته بود. گفته بودند: کسالتی دارد. لذا، بدون هیچ تکلفی ((یاالله)) گفت و وارد شد. خانواده ام خواست اتاق را جمع و جور کند، ایشان گفت : نه همشیره ، همین طور خوب است زحمت نکشید، نشست و احوالپرسی کرد، بعد گفت : حضرت امام از شما خبر گرفته که چرا پیدایتان نیست .)) (۱۴)

در صحنه سیاست

شهید مصطفی در مکتبی بزرگ شده بود که سیاست با آن عجین شده و عین دیانت بود، لذا از همان روزهای اول که پدر بزرگوارش حضرت امام (ره) در این مسیر قدم نهاد با کمال جدیت و تلاش حرکت کرد به گونه ای که حاج آقا احمد خمینی از بستگان ایشان می گوید:

((اگر درباره امام می گویند، حرکتهای ایشان پیامبر گونه است ، باید درباره مرحوم حاج آقا مصطفی نیز گفته شود که حرکت ایشان علی وار بود نسبت به پیامبر گونه بودن امام .))(۱۵)

ایشان بعد از دستگیری امام در شب ۱۵ خرداد ۴۲ نقش به سزایی در به حرکت در آوردن نیروهای مردمی داشت و همان زمان با تمام نیرو فریاد زد که : مردم خمینی را گرفتند، مردم خمینی را بردند و این صدا به صورت برق در سر تا سر قم پیچید و هنوز صبح ۱۵ خرداد طلوع نکرده بود که میان مردم رفته و با انبوهی از جمعیت به طرف صحن معصومه علیه السلام به راه افتادند و از دستگیری امام اعلام انزجار و تنفر نمودند.

فعالیتهای ایشان به حدی بود که ساواك درباره وی آورده است :

((در شهرستان قم پسر آیت الله خمینی ، که معمم می باشد، به جای وی نشسته و دستورهای او را به مورد اجرا می گذارد و اعلامیه هایی تهیه و برای روحانیون می فرستد...)) (۱۶)

موقعی که امام در ((قیطریه)) تحت نظر بود مصطفی تنها رابط امام با دیگر روحانیون و مبارزان به شمار می آمد و فرمانهای امام را به دیگران می رساند، در همین رابطه ساواك می نویسد:

((طبق اطلاع واصله اخیرا پسر آیت الله خمینی با افراد متنفذ و مخالف دولت در تمامی می باشد، چون مشارالیه می تواند با پدرش ملاقات نماید از این لحاظ رابط بین پدرش و افراد مخالف دولت است .))

در پی دستگیری امام در ۱۳ آبان ۴۳ ش ایشان با جمع آوری اشخاص و ملاقات با مراجع قم موضوع را با مردم در میان می گذارد و به منزل آیت الله مرعشی نجفی می رود ولی از آنجا که دژخیمان شاهنشاهی از وجود او وحشت داشتند به منزل آیت الله ریخته و مصطفی را دستگیر می کنند و به تهران می فرستند، ایشان ۵۷ روز در زندان بودند که با فشارهای مردم و دیگر نیروها در هشتم دی ماه ۴۳ آزاد می شود به این شرط که به ترکیه پیش امام برود.

شهید مصطفی چنان استوار در مقابل ساواك و نیروهای حکومتی در این مدت ایستاد که آنها را به تنگ آورده بود. او مدت ۹ روز تحت بازجویی بود و در پاسخ به این سؤ ال ساواك که ، انگیزه امام از سخنرانی برضد کاپیتولاسیون چه بوده است ؟ نوشت : ((این یك مساءله ای است که تحمیل بر ملت شده است و تقریبا حکم حیثیت فروشی ، آزادی فروشی و شخصیت فروشی است .))

و در پاسخ اینکه ، منظور امام از دخالت در کار دولت چیست ؟ می نویسد: ((... دخالت از باب امر به معروف و نهی از منکر است که از اصول اصلیه و منکر آن کافر و تارك آن مرتکب کبیره می باشد و چنانچه سه مرتبه گناه را مرتکب شود، در صورتی که حد شرعی از تعزیر است در فواصل اجرا می شود، مستلزم قتل می باشد.))

تیزهوشی شهید مصطفی در امور سیاسی سبب می شد که هر گونه حرکت از طرف دشمن ، با شکست مواجه گردد، ساواك تلاش داشت با بازداشت امام و فرزندش مصطفی منزل امام بسته باشد و کسانی که مقلد او هستند با مشاهده این عمل به کسان دیگری مراجعه کنند. ولی آقامصطفی برای خنثی کردن این مساءله از زندان نامه ای به آن مضمون به آقای اشراقی می نویسند:

((بعدالحمد و الثنا فان جناب العلامة الفاضل حجة الاسلام آقا حاج شیخ شهاب الدین اشراقی دامت برکاته از قبل حقیر وکیل هستند. در اخذ وجوه شرعیه ای که بناست به دست من برسد که از قبل آقای والد مدظله وکیل هستم و وکیل در توکیل می باشم و آن را به مصارف شرعیه و محال مقرره برسانند و یا آن که حفظ کنند تا تکلیف برای بعد از آن مقرر شود و نیز می توانند رسید داده و امضا فرمایند.))

۲۵ رجب المرجب ۱۳۸۴ سید مصطفی خمینی .)) (۱۷)

موقع آزادی ، در هشتم دی ماه ۴۳ به حاج آقامصطفی گفته بودند که باید طوری وارد شهر قم

شود که سر و صدا ایجاد نشود ولی ایشان بلافاصله بعد از آزادی وارد قم می شوند و مردم با دیدن ایشان شعار می دهند و تا خانه او را همراهی می کنند و چون اصولا او کسی نبود که با تهدید و ارعاب از میدان به در رود از این رو حکومت بیش از پنج روز تحمل نیاورده و در روز یکشنبه سیزدهم دی ماه ۴۳ ماءموران ساواك به خانه امام یورش برده و شهید مصطفی را دستگیر و روز چهاردهم دی ماه به ترکیه تبعید می کنند.

مصطفی و امام در تبعیدگاه

حاج آقا مصطفی به مدت یك سال در شهر ((برسای)) ترکیه به حالت تبعید می ماند اما باز آرام ننشسته و سعی در بازگشت به ایران می کند و با رئیس سازمان امنیت ((برسای)) گفت و گو می کند تا با نصیری در مورد بازگشت وی به ایران صحبت کند ولی نصیری شرایط گوناگونی مطرح می کند، گرچه او شرایط را می پذیرد ولی در آخر نصیری شرط می کند که باید در خانه روستایی خود باشد و دو نفر ماءمور مراقب او باشند و چنانچه کسی از جلو خانه وی عبور کند کشته خواهد شد. با این شرط حاج آقا مصطفی منصرف می شود.
حاج آقا مصطفی همراه پدر بزرگوارش سه شنبه ۱۳ مهر ماه ۴۴ ش از ترکیه به عراق تبعید می شوند و روز جمعه ۲۳ مهر ۴۴ وارد نجف اشرف می گردند.
رژیم شاه از حرکات مردم بعد از تبعید امام به ترکیه به وحشت افتاده بود، زیرا هسته های مبارزاتی کانونهای گرم فعالیت علیه حکومت گشته بود و از جمله این حرکتها ترور ((حسین علی منصور)) بود که شهید بخارایی در دادگاه موقع بازجویی و محاکمه علنا اعلام می کند: ((وقتی شما مرجع تقلید مرا از کشور تبعید می کنید، من هم شما را از این جهان تبعید می کنم .))
برای جلوگیری از حرکات فراوان و خاموش کردن آتش قهر مردم تصمیم گرفت امام را به نجف تبعید کند و چنین نمایاند که چون آنجا حوزه علمیه است حضرت امام خود برای درس و بحث آنجا رفته و خیال می کرد چون مراجع فراوانی در نجف وجود دارد امام تحت الشعاع قرار خواهد گرفت و در بین آن مراجع نمی تواند قد علم کند.
حضرت امام پس از ورود به نجف از آنجایی که رژیم مطالبی را به حضرتش نسبت می داد، تعدادی از افراد علماء نسبت به ایشان حساسیت بدی داشتند، و امام با توجه به این حساسیتها، اقدام به تشکیل بیت و دفتر نکرده و حتی در اوایل شهریه هم پرداخت نکردند.
در چنین شرایطی حاج آقا مصطفی نقش جالبی ایفاء کرد، ایشان در مجالس علمی علما شرکت با سؤ الات و اشکالهای خود محیط درس و اذهان استادان و طلبه ها را به خود متمایل می کرد و این سؤ ال برای همه آنها پیش می آمد که این کیست که در مباحث این چنین با تبحر و قوت وارد می شود. نمود علمی حاج آقا مصطفی موجب جلب افکار به سمت امام

شد.
پس از اینکه ایشان با این کار خود افکار را متوجه این کانون نهفته کرد به امام اصرار کرد که درس را شروع کند؛ امام چون در معقول بیشتر تبحر داشتند اگر اصول را شروع می کردند بیشتر جلوه داشتند ولی برای اینکه چنین توهمی پیش نیاید که ایشان خواسته اند چیزی را عرضه کنند که مورد توجه واقع شوند، درس فقه را شروع کردند یکی از مستشکلان زبده در درس ایشان ، شهید حاج آقا مصطفی بود که زیاد بحث و جدل می کرد و با کار خود، از یك طرف اشکال کردن را رونق می داد و از طرف دیگر اعلمیت امام را ثابت می کرد.
علاوه بر این از نظر حفاظتی نیز بسیار با هوش و فعال بودند، یکی از طرحهای شهید بزرگوار این بود که برای حفاظت جان امام که هم رژیم ایران و هم رژیم عراق از ایشان ناراضی بودند این بود که باید عده ای از طلاب و شاگردان روحانی حضرت امام آموزش نظامی ببینند و حفاظت جان امام بر عهده خود شاگردان حضرت باشد که در همین رابطه تعداد زیادی از یاران امام در نجف و لبنان دوره های نظامی دیده و از سال ۱۳۵۵ ش . به طور کامل حفاظت جان امام والا را بر عهد گرفتند.
و مورد دیگری که بر هوش و ذکاوت سیاسی شهید مصطفی دلالت دارد این بود که بختیار به عراق سفر کرد و از اهدافش ملاقات با حضرت امام بود تا از حیثیت امام و آبروی او برای ادامه مبارزات خودش بهره گیرد و لذا به هر قیمتی که باشد می خواست با امام ملاقات نماید، در این میان حاج آقا مصطفی با تجربه و هوش و استعداد فراوانی که داشت که چنین دسیسه ای اطلاع پیدا کرد و می دانست که افتادن در این گونه دامی موجب رفتن آبروی روحانیت و امام است به همین سبب به شدت با ملاقات امام مخالفت کرد.
امام و حاج آقا مصطفی که از ترکیه با فشار حکومت ایران و عراق تبعید می گردند حضرت آیت الله پسندیده را در حضرت امام چگونگی ورود به بغداد و نجف را اینگونه بیان می کند:
((بعد از ترکیه به بغداد می روند، در بغداد (آن هارا) در خیابان رها می کنند و می گویند خودشان بروند یك ماشین کرایه کنند که به کاظمین یا جای دیگری بروند.
بعد از اینکه اینها به بغداد می رسند خبر به یکی از علمای کربلا می رسد ایشان موقعیت خیلی خوبی داشت به علماء و مردم اطلاع می دهد و جمعیت زیادی برای استقبال امام به نجف می برند، در تمام میدانها جمعیت استقبال کننده بود.)) (۱۸)
حاج آقا مصطفی در عراق نیز از مبارزه دست نکشید و به دنبال اوج گیری نهضت رهایی بخش فلسطین ، تلاش فوق العاده به عمل آوردند که برادران روحانی خارج از کشور به پایگاههای فلسطین بروند و در آن جا دوره ببینند، خود ایشان هم در مسائل نظامی کار کرده بودند و حتی با اسلحه های سنگین هم دوره دیده و آن طور که خودشان نقل می کردند، حتی ورقه هدایت تانك را نیز داشته ، در منزل خود هم اسلحه هایی تهیه کرده بودند و طلابی را که هنوز در مرحله ابتدایی بودند و هنوز به پایگاههای فلسطین نرفته بودند در آن جا با اسلحه

های سبك تعلیم و آموزش می دادند و اصولا ایشان عنایت خاصی به مبارزه مسلحانه داشتند و به آیه شریفه ((و اعدو الهم ما استطعیتم من قوة ...)) تمسك می جست و از این که مسلمانان چرا آموزش نظامی ندارند و تعلیمات نظامی نمی بینند اظهار تاءسف و تاءثر می کردند.(۱۹)

فعالیتهای ایشان سبب شد که در ۲۱ خرداد ۱۳۴۸ ش . به دنبال برانگیختن آیت الله العظمی حکیم بر ضد رژیم بعث ، دستگیر و به بغداد برده شد، و رئیس جمهور وقت (حسن البکر) به او هشدار داد که اگر مردم را بر ضد این رژیم تحریك کنید و با مخالفان رژیم عراق روابط داشته باشید ناچار تصمیمی درباره آنان می گیریم که موجب ناراحتی پدرتان شود و جالب این که همین تهدید را سپهبد نصیری در سال ۱۳۴۲ ش . کرده بود.

پرواز به سوی ملکوت

ترس در حکومت ایران و عراق از فعالیتهای شهید حاج آقا مصطفی عاقبت باعث شد که تهدیدشان را عملی کنند و تصمیمی را که گفته بودند به انجام رسانند و شب یکشنبه اول آبان ۱۳۵۶ ش . مصطفی را در حالی که ۴۷ بهار از عمرش می گذشت به طرز مشکوکی مسموم و به شهادت رسانند.

مرحوم حاج سید احمد خمینی درباره شهادت وی می گوید:

((آنچه می توانم بگویم و شکی در آن ندارم این که ایشان را شهید کردند، زیرا علامتی که در زیر پوست بدن ایشان ، روی سینه ایشان ، روی سر و دست و پا و صورت ایشان و هم چنین لکه های بزرگ حکایت از مسمومیت شدید می کرد و من شکی ندارم که او را مسموم کردند، اما چگونه این کار صورت گرفته نمی دانم ولی همین قد می توانم بگویم که ایشان چند ساعت قبل از شهادت در مجلس فاتحه ای شرکت کردند که در آن جا بعضی از ایادی رژیم پهلوی دست اندرکار دادن چای و قهوه مجلس بوده اند.)) (۲۰)

۱. ضربه روحی بر امام

۲. پیشگیری از خطرهای فردا، هر دو رژیم پی برده بودند که حاج سید مصطفی ، خمینی دوم است و بی تردید با نظریات و دیدگاههای سیاسی و مذهبی که دارد و با شجاعت و شکست ناپذیری که در اوست ، فردا خمینی دیگر خواهد بود.

۳. پدید آوردن رعب و وحشت

۴. پایان دادن به روشنگری های در نجف .(۲۱)

پیامدهای شهادت

شهادت حاج آقا مصطفی درست مثل زندگی او ضربه ای مهلك بر حکومت ستم شاهی بود، خون او بود که گروههای مردمی را به حرکت در آورد و جرقه انقلاب زده شد و بر خلاف تصور رژیم و با شنیدن خبر شهادت حاج آقا مصطفی بازار نجف تعطیل شد. جنازه شهید توسط یاران و شاگردان در روز اول آبان به کربلا برده شد. در این مراسم جمعیت انبوهی شرکت کردند، بیش از هفتاد دستگاه ماشین جنازه را به کربلا بردند و بازگرداندند. شهید سید مصطفی را با آب فرات غسل دادند و در محل خیمه گاه حسین علیه السلام کفن کردند و پس از طواف در حرم حضرت سید الشهداء علیه السلام و حضرت عباس علیه السلام ساعت ۷ بعد از ظهر به نجف اشرف بازگرداندند.
روز دوشنبه دوم آبان (۱۰ ذیقعده) جنازه آن شهید حدود ساعت ۹ صبح از مسجد بهبهانی (واقع در بیرون دروازه نجف) با شرکت انبوهی از علما و فضلا، طلاب ، کسبه ، اصناف و سایر اهالی نجف اشرف به طرف صحن مطهر علوی تشییع شده و در مقبره علامه حلی دفن گردید.
امام در مسجد بهبهانی حضور یافت و پس از مکث کوتاه و خواندن فاتحه با گامی استوار و قامتی آراسته به خانه برگشت و در مراسم تشییع و خاك سپاری شرکت نکرد.
در کشورهای دیگر نیز از جمله پاکستان ، افغانستان ، عربستان ، کویت ، بحرین ، قطره ، لندن ، اروپا، آمریکا، کانادا، هند و سوئد مجالس عزاداری و در بعضی جاها تظاهرات صورت گرفته و سیل تسلیت از نقاط مختلف جهان به طرف نجف سرازیر شد.
در ایران نیز مردم مجلس عزا برپا کردند و پس از سالهای ، نام خمینی را شنیدند و خطبا و سخنرانان در منابر نام امام را بر زبان راندند. اولین مجلس ختم از طرف جامعه روحانیت مبارزه تهران و علمای تهران در مسجد جامع برگزار شد که انبوهی از جمعیت در آن شرکت داشتند، آقا طاهر اصفهانی ، خطیب مجلس بود که در بهت و سکوت و تاءثر فوق العاده حضار سخن گفتند. و هر بار که نام امام خمینی را می برد فریاد صلوات پیاپی آن جمعیت فشرده لرزه بر اندام بیگانه پرستان می انداخت .
مجلس بزرگداشت شهید حاج آقا مصطفی نیز در مسجد ارك از طرف شهید بهشتی ، مطهری ، مفتح منعقد گردید و آقا دکتر حسن روحانی از امام خمینی و نقش موثر ایشان در بیدار جوامع اسلامی و مبارزه با ایادی استعمار و شخصیت علمی حاج آقا مصطفی سخن گفتند.
حوزه علمیه قم نیز تعطیل و شهر قم سر تا سر سیاه پوش شد و از طرف آیات عظام گلپایگانی ، مرعشی و سایر مراجع ، مجالسی ترتیب داده شد. (۲۲)و بدین ترتیب دشمن که برای خاموش کردن صدای حاج آقا مصطفی او را به شهادت رسانده بود، اینك با سیل بنیان کنی روبرو گردیده ؛ سیلی که از مجالس فاتحه حاج آقا مصطفی آغاز گردید و با رشادتهای قهرمانان ۱۹ دی ۱۳۵۶ ش . در قم و مجالس چهلم آنان در تبریز، اصفهان ، یزد و مشهد،

خروشان تر شد و سرانجام حکومت ستم شاهی را در هم کوبید و بساط عدل را گسترد.
در آخر از باب تبرك وصیت نامه شهید را پایان بخش مطالب خود قرار می دهیم .
((فکر می کنم قبلا وصیتی کرده باشم ولی علی ای تقدیر وصی خود را پدر بزرگوار خود اولا و در مرتبه بعد مادر و مخدره حلیله و برادر احمد است بعد از اقرار بما جاء به النبی الاعظم صلی الله علیه و آله جمیع کتابهای خود را در اختیار حسین قرار می دهم به شرط آنکه تحصیل علوم قدیمه کند در غیر اینصورت به کتابخانه مدرسه آقای بروجردی در نجف اشرف تحویل دهند چه آنکه نوعا از وجوه تحصیل شده و خلاف احتیاط است که ارث برده شود، چیز دیگر هم ندارم مگر بعضی مختصر است آن هم دیگر احتیاج به گفتار ندارد.)) (۲۳)

پي نوشت :

۱. مجله یاد، ش .۱۲
۲. مجله یاد، ش .۱۲
۳. مجله پاسدار اسلام ، ش ۲۳.
۴. مجله ۱۵ خرداد، ش ۴، حوزه ، ش ۸۲ - ۸۱، ص ۳۷۴.
۵. حوزه ، ش ۸۲ - ۸۱، ص ۳۵۷.
۶. روزنامه اطلاعات ، ش ۱۸۸۸۰، آبان ۶۸.
۷. مجله پاسدار اسلام ، ش ۲۳.
۸. مجله ۱۵ خرداد، ش ۴.
۹. مجله یاد، ش ۱۲، شهیدی دیگر از روحانیت ، ص ۲۴۹.
۱۰. پاسدار اسلام ، ش ۲۳.
۱۱. حوزه ، ش ۴۰.
۱۲. صحیفه نور ج ۲۲، ص ۱۱۷.
۱۳. شهیدی دیگر از روحانیت ، ص ۴۰، ۵۵، ۹۰، ۹۵.
۱۴. یادها و یادمان ها، ج ۲، ص ۲۵۸، ۳۷۹
۱۵. مجله پاسدار اسلام ، ش ۲۳.
۱۶. مجله ۱۵ خرداد، ش ۴.
۱۷. همان .
۱۸. خاطرات آیت الله پسندیده ، ص ۱۱۵.
۱۹. مجله پاسدار اسلام ، ش ۱۸.
۲۰. مجله یاد ش ۱۲.
۲۱. مجله ۱۵ خرداد، ش ۴.

۲۲. نهضت روحانیون ، علی دوانی ، ج ۶.
۲۳. شهیدی دیگر از روحانیت ، ص ۲۳۳.

منبع: گلشن ابرار، جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم /س

This document was created with Win2PDF available at http://www.daneprairie.com.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.